

سمپوزیوم

کامبیز هورسان در سمپوزیوم سیر جان «بادگیر چپقی» را می‌سازد؛

تصور جامعه از مجسمه، پرتوهای فیگوراتیو است

کامبیز هورسان، مجسمه‌ساز، معتقد است، هنوز تصور مسئولان و قشر وسیعی از جامعه نسبت به مجسمه‌سازی، پرتوهای فیگوراتیو است و می‌توان با برگزاری سمپوزیوم‌ها نگاه جامعه را به هنر مجسمه‌سازی معطوف کرد. به گزارش خبرنگار ایلنا، «کامبیز هورسان» متولد ۱۳۴۸ کرمانشاه، فارغ‌التحصیل کارشناسی مجسمه‌سازی از دانشگاه تهران است. او در بیاتل اول و دوم شهری، سه دوره سمپوزیوم یوم سنگ تهران و سمپوزیوم ملی سنگ منطقه آزاد اروند حضور داشته است. هورسان تاکنون بیش از ۲۰ مجسمه شهری ساخته و آثارش در نمایشگاه‌های گروهی متعددی به نمایش درآمده‌اند. او همچنین طراحی صحنه سریال و مسابقات مختلف تلویزیونی پلاک چهارده، حرف تو حرف، در دست گلی دارم و بزرگ مردان کوچک را بر عهده داشته است. هورسان بابیان اینکه «مامجسمه‌ساز هادر طول سال در آتلیه‌مان به تنهایی کار می‌کنیم و به نوعی ارتباطمان با جهان پیرامون کم است و فرصت ارتباط کلامی کمی داریم» خاطر نشان کرد: از این رو شرکت در سمپوزیوم‌ها فرصتی را در اختیار ما می‌گذارد که در فضای دوستانه با یکدیگر ارتباط برقرار کنیم و ضمن خلق مجسمه در باره مجسمه‌سازی صحبت کنیم و با هم کمک کنیم که لطافت و حس دلپذیری از زندگی در جهان برآیند شود.



ادامه داد: همچنین در سمپوزیوم‌ها فرصت امکانی برای مجسمه‌ساز فراهم می‌شود تا بتواند مجسمه‌ای در ابعاد بزرگ بسازد. برای بسیاری از مجسمه‌سازان از جمله خودم امکان این وجود ندارد که سنگی در ابعادی که در سمپوزیوم در اختیارمان گذاشته می‌شود تهیه کنیم و با آن مجسمه بسازیم. ساخت مجسمه در ابعاد بزرگ مستلزم داشتن کارگاهی بزرگ و مجهز و تعداد کسانی که چنین کارگاهی دارند انگشت شمار است. این مجسمه‌ساز درباره اثری که در سمپوزیوم سیر جان می‌سازد، گفت: تاپیش شرکت در سمپوزیوم به سیرجان سفر نکرده بودم. از این رو زمانی که فراخوان سمپوزیوم منتشر شد، پس از تحقیق، تصمیم گرفتم اثری متأثر از بناهای تاریخی این شهر بسازم و در نهایت تصمیم گرفتم مجسمه «بادگیر چپقی» را بسازم. به گفته هورسان مجسمه‌بادگیر چپقی یک اثر انتزاعی متشکل از ۱۰ استوانه خمیده در جهت‌های مختلف است. او روند برگزاری سمپوزیوم گل‌گهر را خوب خواند و گفت: سمپوزیوم امکانات خوبی در اختیار مجسمه‌سازان گذاشته است. سنگی هم که برای خلق مجسمه در اختیارمان گذاشته‌اند از سنگ‌های مرغوب ایران است و کار کردن با این سنگ تجربه خوبی بود. کامبیز هورسان در ادامه یادآور شد: برگزاری سمپوزیوم‌های مجسمه‌سازی یکی از مهم‌ترین راه‌هایی است که می‌توان مردم را با هنر مجسمه‌سازی آشنا کرد. با توجه به تجربه حضورم در چندین سمپوزیوم بین‌المللی تهران به خوبی به اهمیت سمپوزیوم‌ها پی برده‌ام و در ایام سمپوزیوم شش‌ماهه‌ام که بازدید کنندگان پس از حضور در سمپوزیوم‌نگاه‌شان نسبت به مجسمه و مجسمه‌ساز تغییر کرده است. او ادامه داد: با اینکه در برخی از شهرهای ایران شاهد برگزاری سمپوزیوم بوده‌ایم اما هنوز آن گونه که باید نگاه مسئولان و قشر وسیعی از جامعه نسبت به مجسمه‌سازی تغییر نکرده و تصورشان از مجسمه، پرتوهای فیگوراتیو است. در چنین شرایطی با برگزاری سمپوزیوم مجسمه‌سازی فرصت امکانی فراهم می‌شود تا ذهنیت مردم نسبت به مجسمه‌سازی تغییر کند. به گفته این مجسمه‌ساز شرکت کننده در سمپوزیوم مجسمه‌سازی گل‌گهر؛ اتفاق خوشایند دیگر سمپوزیوم این است که مجسمه‌سازان با مردم ارتباط برقرار می‌کنند و در این ارتباط است که دیدگاه مجسمه‌ساز و مردم وسعت پیدا می‌کند. هورسان در پایان سخنانش گفت: با تداوم برگزاری سمپوزیوم مجسمه‌سازی گل‌گهر و تعریف برنامه‌های فرهنگی در دل این رویداد، می‌توان انتظار داشت که سیرجان در آینده نزدیک به یکی از قطب‌های گردشگری کشور تبدیل شود.

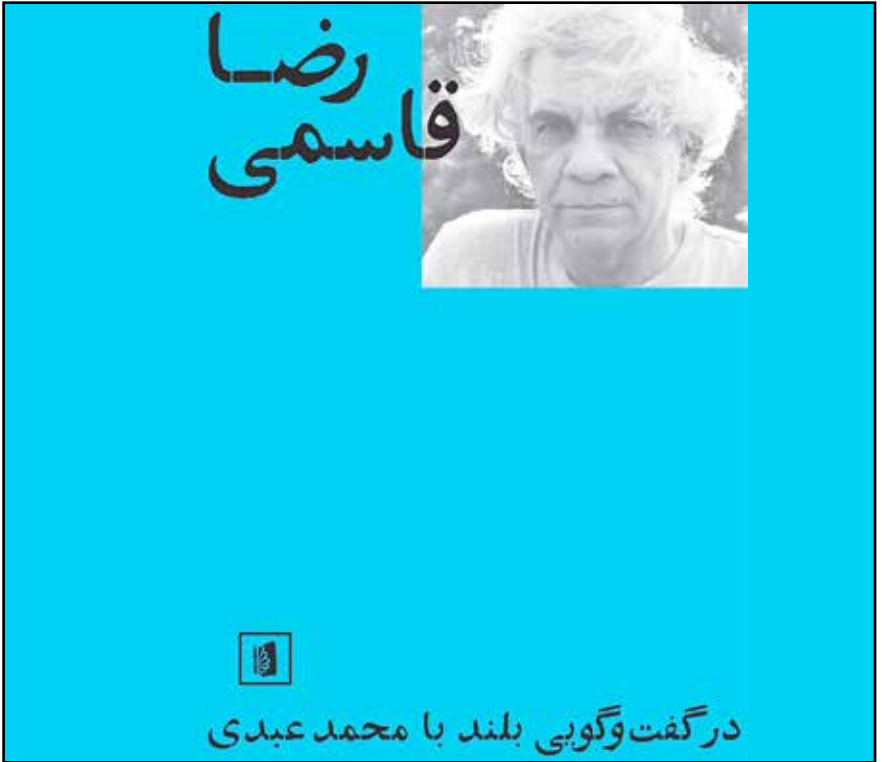
قاسمی به جذابی‌رمان‌های خود است. کلامی متفاوت از نویسندگان آشنا دارد.

کلام مطمئنی ندارد و عموماً ساده‌سخن می‌گوید. قصد پیچش دادن به زندگی خود ندارد و هیچ تصویر قهرمانانه‌ای از خود ارائه نمی‌دهد. در عوض او آدمی است معمولی که می‌تواند همین معمولی بودنش را روایی کند

زندگی قفل می‌زند. اگر چه از زمان رهایی و رفتن به مدرسه هم چیزی نمی‌گوید. او با زمان بازی می‌کند تا چیزی که دلش می‌خواهد بگوید. البته به نظر می‌رسد روایت روی کافز جذاب‌ترین وجه زندگی قاسمی است و حفره‌ها محصول کنج‌کاوی فراتر از حد خواننده؛ اما تصور می‌کنم اگر رضا قاسمی خود تصمیم می‌گرفت زندگیاها را بنویسد به کدام وجه زندگی سرک می‌کشید. در کتاب عبیدی برای مثال مرگ در رنگ است. جایی قاسمی درباره خود کشتی می‌گوید. طنز سیاهی در کلامش متبلور می‌شود و شما را با نقطه نادیده افکارش آشنا می‌کند. اگر قاسمی تنها بود، آیا به این وجه زندگی خود رجوع می‌کرد؟ او از وسواس هایش می‌گوید و حالا این وسواس در مخاطب پدید می‌آید که آیا این گفتگو نیز محصول وسواس است و در دچار بودن به وسواس چیزی از کتاب حذف شده است. شخصاً خوش بینم، چرا که گفتگو با نویسنده وسواسی و بیرون آمدن کتاب یعنی مقابله با وسواس و حالا این کتاب آبی تصویری جذاب است از چگونه نویسنده شدن تا اینکه نویسنده چه کسی است.

قاسمی البته در تصویرسازی اغراق نمی‌کند، گاهی اوقات مسیر متفاوتی را هم طی می‌کند. برای همین با خواندن کتاب احساس نمی‌کنید قاسمی غولی است دست‌نیافتنی. او موجودی است با زندگی مشابه ما. پستی و بلندی‌هایش برای بسیاری آشنا است، اما او مجیز به داستان است. راه ورود به روایت را بلد است. عبیدی در مقام مصحح گفتگو نیز تلاش نمی‌کند ادبیات قاسمی را از او سلب کند. ویژگی خوب او هدایت موضوع است. او به دنیای نویسندگی قاسمی آگاه است و تلاش نمی‌کند آن را به رخ بکشد. عبیدی در نقش تسهیل‌گر ظاهر می‌شود. حالا کسی که قرار است در مقام نویسنده آینده قرار بگیرد ترندهای نوشتن را در برمی‌گیرد. تلاش می‌کند کتابش خواندنی شود و چه بهتر که از شیوه روایی قاسمی بهره‌بردار. کتاب عبیدی به هیچ عنوان خطی پیش نمی‌رود. شخصیت‌های گفتگو در گذشته و حال مدام سفر می‌کنند و این رفت و برگشت‌ها کمک می‌کند موضوعات طبقه‌بندی شود. به عبارتی اگر خواننده دلش بخواهد صرفاً از مهاجرت قاسمی بداند می‌تواند دیگر بخش‌ها را نادیده بگیرد. کتاب کوچک محمد عبیدی دفترچه راهنمایی است برای رجوع، راهی است برای ارجاع دادن به اینکه اگر قاسمی در فلان جا چنین کرد، روایت راستینش چنان است. اما ممکن است برخی از خوانندگان کتاب اذیت نشوند. حفره‌های بسیاری در دل کتاب وجود دارد که مخاطب می‌چرخد و چیزی برای پر کردنش نمی‌یابد. برای مثال قاسمی آنچنان در کودکی خودش فرونی‌رود. مختصر و موجز پیش می‌رود. وقتی از بسته شدن در توسط پدرش در فاصله صبح تا ظهر می‌گوید، انگار او چون پدرش بر بخشی از

می‌رود. دلش می‌خواهد بداند قاسمی کدام بخش زندگی خود را در دل سه رمان خویش فرو برده است. چندان هم به نمایش‌نامه‌های قاسمی ورود نمی‌کند. عبیدی تمرکز خود را روی داستان‌نویسی قاسمی می‌گذارد. گذری چند به دنیای تئاتر می‌کند، اما از متن‌ها چیز زیادی نمی‌پرسد. اساساً پرسش‌ها حول دنیای درونی قاسمی است و قاسمی بدون رودرپایستی سخن می‌گوید. حتی طنز می‌کند. وقتی از پدرش حرف می‌زند گویی با نزدیک‌ترین رفیق خود در ددل می‌کنند. چندان قصد ندارد حول پدرش هاله قدسی بیافریند و این همان چیزی است که شاید متون داستانی او را هم برجسته می‌کند. عبیدی آرام آرام وارد واژگان و عبارات داستان‌ها می‌شود و چون کار آگاهی زیرک رد گذشته را می‌یابد. اگر چه این ردیابی چندان سیر تاریخی و خطی زندگی نیست، این تصور در ابتدای کتاب پدید می‌آید که مشغول خواندن مکالمات روزمره آدم است که چندان هدفی ندارد. از قضا همین جزا زندگیاها خواندنی می‌شود. شما هم در نقش کارآگاه باید ظاهر شوید. بدون خواندن سه رمان قاسمی درک بسیاری از مطالب آسان نیست. با خوانش رمان هاست که می‌توان فهمید این گفتگوی به ظاهر خودمانی از چه حکایت می‌کند. قاسمی به جذابی‌رمان‌های خود است. کلامی متفاوت از نویسندگان آشنا دارد. کلام مطمئنی ندارد و عموماً ساده‌سخن می‌گوید. قصد پیچش دادن به زندگی خود ندارد و هیچ تصویر قهرمانانه‌ای از خود ارائه نمی‌دهد. در عوض او آدمی است معمولی که می‌تواند همین معمولی بودنش را روایی کند. برای مثال کودکیش را مختصر نقل می‌کند؛ اما کوتاه‌سخن پر است از تصویر و ایده.



دور از ما خواهان بیشتری پیدا کرده است. در تئاتر هم گویی این گونه است. هر چند در سال‌های اخیر کمتر کتابی با موضوعیت زندگی چهره‌های تئاتری منتشر شده است - جز مورد پرویز پورحسینی و بهروز غریب‌پور - اما در زمانه کرونا عیان شد خوانش زندگی دیگری غریب برای انسان کرونا زده مهم است. نشر بیدگل در دو کتاب پیاپی، نخست با موضوع سوسن تسلیمی و در ادامه رضا قاسمی، در کالبد یخ‌زده زندگیاها تئاتری‌ها دمید. اتفاقی که برای دو اثر پیش از این ذکر شده رخ نداد. محمد عبیدی در سفر به جهانی آن سوی مرزها به دیدار دو هنرمند سابق کارگاه نمایش می‌رود و از آنان درباره گذشته‌اش در وطن و امروزشان در غربت سخن می‌گوید. از شرط بقا و کابوس‌ها و

رویاهاشان پرسیده که چگونه آمده و رفته‌اند. کتاب رضا قاسمی تازه‌تر است و نیامده به چاپ دوم رسیده است. عبیدی می‌گوید کتاب نسخه کامل گفتگویی است که او در قالب مستند ساخته است؛ یک دوربین و دو دوست. همه چیز به همین نزدیکی میان نویسنده جذاب پال‌دار و گفتگوکننده جوان بازی می‌گردد. انگار سال‌ها دوستی میان این دو برقرار است و عبیدی بخش مهمی از زندگی قاسمی را با او تجربه کرده است. از این رو کتاب چندان شبیه زندگیاها نیست. شاید همان عنوان دوم کتاب باشد: در گفتگوی بلند با محمد عبیدی. عبیدی چندان از زندگی قاسمی نمی‌پرسد؛ بلکه به سراغ چه و خم دنیای داستان‌نویسی او

اگر چه کرونا بلایی است فراموش‌نشدنی برای نوع بشر؛ اما اتفاقاتی قابل توجه حداقل در دنیای نشر رخ داده است. تغییر ذائقه عمومی در عصر کرونا مشهود است و توجه آدمیان کرونا زده از سویی به سوی دیگر سوق یافته است. برای من و شما این روزها زندگی مهم‌تر شده است. زندگی چه در قامت زایش و چه در ساحت مرگ مسأله بشر شده است. او در کرونا بیشتر تمایل به خواندن متن زندگی دارد. در این وانفسا آدمی خواهان نوعی آگاهی است از شده بقیای دیگران. خواندن زندگیاها آن هم از جنس آدم‌های سختی کشیده



احسان زیور عالم

تجسمی

برپایی نمایشگاه مجازی با آثاری از عمانی‌ها

نمایشگاه مجازی آثاری از میس الموسوی و حنین الموسوی با عنوان «تو» در سایت گالری اکنون برپاست. این دو هنرمند اهل کشور عمان هر کدام با دیدگاه‌ها و رویکرد‌های متفاوت آثاری را به وجود آورده‌اند. میس الموسوی هنرمند اهل مسقط تحصیلاتش را در رشته تصویرگری در انگلستان انجام داده و تمرکز او بر فیگورهای زنانه برآمده از نگاه جامعه‌ای است که در آن بزرگ شده است. داستان‌ها و چالش‌هایی که زنان در جامعه تجربه می‌کنند به شدت بر هویت و شخصیت آثار او تأثیر داشته است. زنان در آثار این هنرمند به سادگی با خطوط محیطی به تصویر کشیده شده‌اند، به گونه‌ای که انگار هنرمند مداد خود را روی کاغذ گذاشته و آزادانه حرکت داده است تا فرم بدن و اشیاء پیرامون آن به وجود آید. اهمیت خط به عنوان عنصری که همه فرم‌ها را شکل داده است کاملاً در این آثار به چشم می‌آید. حنین الموسوی فارغ‌التحصیل طراحی محصول از انگلستان است. او درباره فعالیت هنری خود می‌گوید: من شخصیتی آرام و ساکت دارم و در آثار هنری راهی پیدا کردم تا احساسات خود را آزادانه نشان دهم. این کار به من کمک می‌کند در لحظه زندگی کنم. آثار او چیزی میان هنر انتزاعی



گذشته شش‌اثر به ایرانی‌های هنردوست لس آنجلس و سانفرانسیسکو فروخته شد. او پیش از این هم اعلام کرده بود: مردم به سبب قیمت مناسب کارها که حدود سه تا چهار میلیون تومان است، از این نمایشگاه آنلاین خوب خرید کرده‌اند که در این میان استقبال ایرانیان عزیز مقیم خارج کشور بسیار چشمگیر است، او با بیان اینکه بسیار تقاضا شده که صد اثر صد هنرمند تبدیل به یک رویداد همیشگی شود گفت: اینستاگرام و رسانه‌های دیگر بسیار در جذب و جلب خریدار مؤثر بوده و ۶۰ درصد آثاری که به جز سایت در اینستاگرام به اشتراک گذاشته می‌شوند به فروش می‌روند. او گفت: در این میان کارهای گران‌تر بیشترشان خریداری شدند و من با اطمینان می‌توانم بگویم که مردم متوجه شده‌اند خرید اثر هنری پس‌انداز است. مدیر گالری گلستان در پایان خاطر نشان کرد: به تقاضای مکرر مردم، صد اثر صد هنرمند تا ۳۱ شهریور ماه جاری تمدید شده است و پس از آن هر دو هفته یک نمایشگاه انفرادی خواهیم داشت که برخی از این نمایشگاه‌ها برای جامعه هنری بسیار جالب توجه خواهد بود.

تمدید «صد اثر صد هنرمند» تا پایان شهریور

لیلی گلستان اعلام کرد به جهت تقاضای متعدد مردم «صد اثر صد هنرمند» تا پایان شهریور تمدید شده است. به گزارش هنرآنلاین، این در حالی است که از ۱۵ مرداد تا ۱۷ شهریور، زمان اولیه این نمایشگاه تابستانی ۱۳۰ اثر فروخته شد؛ جالب اینکه بیست و نهمین صد اثر صد هنرمند که به صورت آنلاین در سایت گالری گلستان در جریان است با ارائه ۴۹۵ نقاشی، خط و مجسمه کار خود را آغاز کرد اکنون ۵۸۰ اثر هنری را به معرض تماشا و فروش دارد. به گفته خانم گلستان در دوروز

